

خطاکاری انسان عشق بی‌پایان قضاوت الهی

علیرضایضایت

در هر فرهنگ و مسلکی حتی در ابتدایی‌ترین شکل آن، در برخورد با انسانی که می‌میرد از لحظه مرگ تا تدفین نهایی آداب و رسوم و مناسک خاصی وجود دارد. اصطلاح **Obsequiae** (مراسم تشییع جنازه) در مسیحیت اولیه ناظر به شیوه پرداختن مسیحیان به جنازه انسان است. این اصطلاح کاملاً با مقوله سوزاندن که سنت برخی از ادیان دیگر به شمار می‌آید متفاوت است. این تفاوت از آنجا ناشی می‌شود که در مسیحیت دو آموزه وجود دارد که برای جسم انسانی بسیار حائز اهمیت است: اعتقاد به رستاخیز و آیین مقدس امید به رستاخیز در آینده که به شدت از سوی سنت پل مورد تأکید قرار گرفته است مرگ را اساساً مقدمه‌ای برای یک زندگی شادتر و عظیم‌تر کرده است. بنابر این، مرگ نوعی تولد و حیات جدید در مسیح است. بعلاوه در تمام نظام آیین مقدس، از جسم به عنوان ابزاری ضروری برای نجات استفاده می‌شود پس جسم، مقوله‌ای مقدس و واجب‌الشکریم است.

در کنار عزاداری خانواده یا گروه خاصی از سوگواران، عهد عتیق رسومات مختلفی را در خصوص متوفی بیان می‌کند: لباسهای پاره‌پاره، پوشیدن لباسهای خاص، پوشاندن صورت، خاک بر سر ریختن و یک رژیم غذایی خاص شامل ۷ روز روزه‌داری و خوردن غذای خاص مراسم سوگواری. گزارشات عهد جدید هم حاکی از اشکال خاکسپاری عهد عتیق است و هم شامل اشکال تدفین غیرکتاب مقدس می‌شود. در عهد جدید آمده است عیسی در غاری دفن شد که سنگی بر سر در آن قرار داشت. جسد او در پارچه‌ای نایلونی و تمیز پیچیده شده بود. البته از ادویه‌جات معطر نیز در تدفین عیسی استفاده شده بود.

کلیسای اولیه

مسیحیان در مناسک مربوط به اموات و امید به زندگی پس از مرگ با دنیای اطراف خود چندان فاصله‌ای نداشتند. در مسیحیت آغازین مراسم مربوط به خاکسپاری متوفی ساده بود چشمان متوفی بسته می‌شد، جسم شسته و تذهین می‌گردید و داخل پارچه‌ای پیچیده می‌شد. بستگان و نزدیکان متوفی به مدت ۸ ساعت یا بیشتر به جنازه می‌نگریستند و به ناله و مویه می‌پرداختند. البته این هشت ساعت مراقبت بمنظور حصول اطمینان از مرگ کامل شخص نیز بود. سپس جنازه به سوی قبر یا محل دفن حمل می‌شد. در این میان قسمت‌هایی از مزامیر و برخی دعاها و سرودهای ساده خوانده می‌شد. پس از خاکسپاری متوفی، نزدیکان او روز سوم، هفتم یا نهم، سی‌ام یا چهلم و سالگرد بر سر مزار متوفی حضور می‌یافتند. معادشناسی مسیحیان اولیه و اعمال سوگواری و خاکسپاری آنها ویژگیهای متمایز داشت. مسیحیان در ابتدا به همراه مشرکان در گورستانهای مشترک مدفون می‌شدند. در عین حال قبور مسیحیان تصویری از عیسی بر خود داشت که از گوسفندان مراقبت می‌کند یا بر سر ضیافت عرش نشسته است. بعدها تصاویری از معجزات عیسی روی قبور حک گردید. تمام این تصاویر حاکی از آن بود که یاد مردگان نباید با غم و اندوه

نماز خواندن، دعا کردن و ابراز ناراحتی برای متوفی پذیرفتنی است اما این مسأله به معنای ناامیدی و پایان همه چیز نیست بلکه ناظر به آرامش، طراوت و سکینه‌ای است که متوفی تا رستاخیز نهایی از آنها بهره‌مند است

قرون وسطی:

قدیمی‌ترین شعار مربوط به تدفین را در اوردو رومانوس، شیوه قرن هفتمی که به جنازه متوفی می‌پردازد، می‌توان یافت. این شیوه بطور کامل بر رستاخیز در روز قیامت مبتنی است. در این فرایند به شخص محتضر چیزی خورانده می‌شود هدف از این کار دفاع از او در برابر مرگ و تضمین رستاخیز است. خواندن مصائب مسیح برای متوفی این امید را پدید می‌آورد که او همراه با پروردگار از این دنیا می‌گذرد و حیات جاودانی می‌یابد. اما به تدریج نوع نگاه مسیحیان به این امر رنگ و بوی اندوهناک‌تر به خود گرفت. نگرانی در خصوص جهان مادون، دامهای بلا و تمام رنجهای مرگ در عالم پس از مرگ آغاز گردید. بعلاوه تمرکز و تأکید بر ورود همراه با سلام و آرامش به ساحت پروردگار به فر از داوری وحشتناک و بیرحمانه تبدیل گردید.

اصلاحات

اصلاح‌طلبها با این ایده که فرد زنده می‌تواند بر سرنوشت متوفی تأثیر گذار باشد مخالفت نمودند. تدفین از نگاه آنها دین عاشقانه‌ای است که زنده‌ها به مرده‌ها دارند از این‌رو بود که مارتین لوتر هیچ دستوری برای نحوه تدفین ابداع نکرد و مراسمهای تشییع جنازه پروتستانهای اولیه غالباً جزو امور مدنی و خانوادگی بشمار می‌رفتند. و چندان ارتباطی با کلیسا نداشتند. با این همه لوتر اصرار داشت که سرودها و نیایشهای آرام‌بخش، سرودهای مربوط به رستاخیز باید همچنان به هنگام خاکسپاری متوفی خوانده شود. او و دیگر اصلاح‌طلبها معتقد بودند که مراسم خاکسپاری فرصتی مناسب را برای اعلان رستاخیز فراهم می‌آورد و از طرفی نشانگر یادآور آن است که مرگ دامان همگان را فرا خواهد گرفت.

از این رو، هدف عمده شاعری که به تدریج در کلیساهای پروتستان ایجاد شد و گسترش یافت، بیش از آنکه نجات متوفی باشد، تقویت ایمان زنده‌ها بود. بدین ترتیب در این دوره جوانب مثبت برخورد با متوفی رایج گردید.

دوره مدرن

مرگ آگاهی در دنیای مدرن غرب دو وجهه یا جنبه دارد. از یک سو، ارتباط با مرگ انترزاعی تر است؛ تعداد اندکی در محل زندگی خود می‌میرند و انگشت شمارند افرادی که مرگ را کاملاً لمس می‌کنند. مرگ در این دوره کمتر قابل رؤیت است یا به عبارتی برجستگی ندارد. این پدیده مهم از زندگی آدمها رخت بر بسته و تجربه آن از میان رفته است. از سوی دیگر، به موازات جهت‌گیری فرهنگی جامعه مدرن نشانه‌های بسیاری بر طرد و نفی (سرکوبی) مرگ وجود دارد. این نشانه‌ها به عناصر سازنده مناسک خاکسپاری تبدیل می‌شوند نمونه‌های این سرکوبی را در ایالات متحده به وفور می‌توان یافت. آنها همزمان، مراسم خاکسپاری را به منظور رفع نیازهای سوگواران، تبلیغاتی و تجاری می‌کنند. یک مراسم خاکسپاری توهمی از مرگ می‌سازد که مشابه یک زندگی خیالی است. با کمک مرمیایی کردن جنازه و نوع لباس‌هایی که بر تن آن می‌پوشانند بیش از آن که فرد به متوفی شبیه باشد به انسانی شبیه است که خوابیده است.

کلیسای ارتدوکس:

کلیسای ارتدوکس آداب و رسوم متعددی برای خاکسپاری متوفی و سوگواری برای او دارد. برخی از آنها مقدمه‌ای برای مرگی آرام به شمار می‌روند و برخی نیز به منظور یادبود متوفی و شفاعت او انجام می‌گیرند. خدمات خاکسپاری به پنج دسته تقسیم می‌شوند: برای بزرگسالان، برای بچه‌ها تا سن هفت سال، برای کشیش متاهل، برای راهب‌ها و اعضای کلیسا، و برای کسانی که در هفته اول عید پاک (فصح) می‌میرند. آیین توبه، عشا‌ی ربانی و تدفین برای شخص محضر اجرا می‌شود. جسد متوفی را می‌شویند، تدفین می‌کنند (البته کشیش‌ها فقط تدفین می‌شوند) و در پارچه نو و تمیزی قرار می‌دهند. این پارچه نشانگر حالت تازه و فسادناپذیر جسم تا روز قیامت و رستاخیز است. کشیش‌ها با طنابهای مخصوصی دفن می‌شوند و یک جلد انجیل نیز روی سینه آنها می‌گذارند. صلیبی نیز که نشانه پیروزی است روی انجیل قرار می‌گیرد. زمانیکه جنازه در تابوت باز در خانه متوفی قرار دارد مرثیه یا نمازی کوتاه خوانده می‌شود (Pannychida). البته مراسم واقعی در کلیسا انجام می‌گیرد؛ در کلیساست که حیات (زیستن) در عیسی آغاز می‌گردد و اینجاست که پرواز از خاک متوفی جشن گرفته می‌شود. مراسم خاکسپاری ارتدوکس با سرودها، نوحه‌ها، نمازها، قضا‌ید و مرثیه‌ی بسیاری توأم است. این سرودها و مرثیه‌ی ناظر به معنای زندگی در مواجهه با مرگ هستند و بیانگر عقاید بنیادین در خصوص خطاکاری انسان، عشق بی‌پایان و قضاوت الهی هستند. این اعمال در کل نوعی درخواست فوری از خداوند برای بخشودن گناه‌های متوفی و دادن آرامش به روح او از طریق نور و حیات بشمار می‌روند. در سراسر انجام مراسم، اعتقاد به جاودانگی روح را می‌توان مشاهده نمود. در پایان بر سر مزار نیز نماز نهایی و سرود «یادبود ازلی» خوانده می‌شود. در این هنگام کشیش روی تابوت یا جنازه روغن یا شراب می‌پاشد و این جمله را بیان می‌کند: «مرا با [گیاه] نعنای پاک بگردان و من مطهر و پاک خواهم بود، مرا بشوی و من سپیدتر از برف خواهم بود». سپس کشیش مشت‌ی خاک بر تابوت می‌پاشد و می‌گوید: «زمین (خاک) و هر آنچه در آن است از آن پروردگار است.»

کلیسای کاتولیک روم:

شورای دوّم واتیکان (۵ - ۲۶۹۱م) در بیانیه‌اش در مورد نماز مقدس خواستار اصلاح تمام مناسک عبادی در کلیسای کاتولیک شد. این شورا تصویب کرد که مناسک مربوط به خاکسپاری بگونه‌ای اصلاح شوند که بیشتر منعکس‌کننده ویژگی پاک مرگ مسیحی باشد و تطابق بیشتری با شرایط و سنت‌های نواحی مختلف داشته باشد. نخستین اصلاحات در مناسک خاکسپاری تحت عنوان Ordo exsequiorum در ۱۹۶۹ انجام شد. این مناسک در اسقف‌نشین‌های ایالات متحده تحت عنوان طریقه خاکسپاری مسیحی (OCF) مجدداً مورد تجدیدنظر قرار گرفت و توسط انجمن ملی اسقف‌های کاتولیک در ۱۹۸۵ مجوز اجرا گرفت و در ۱۹۸۹ انتشار یافت. OCF آداب و رسوم را بگونه‌ای تنظیم و تدوین کرده که کشیش‌ها به آسانی از آن استفاده کنند و آن را بکار ببرند. در کنار هر شعار، یادداشت و دستورات مربوط به آن آمده است. اگرچه سوزاندن جسد به دلیل

اعتقاد به رستاخیز جسم نزد کاتولیکها ممنوع است اما امروزه در برخی شرایط مجاز شمرده می‌شود. در منشور OCF می‌خوانیم: در مراسم خاکسپاری خانواده و دوستان متوفی گردهم می‌آیند تا برایش دعا کنند و خدا را به خاطر غلبه بر گناه و مرگ ستایش کنند و متوفی را به رحمت و مغفرت خدا بسپارند. بدین منظور، OCF مناسکی برای بزرگسالان و بچه‌ها تدوین کرده است که به سه گروه تقسیم می‌شود و در کل با سه زمان اصلی مناسک خاکسپاری مسیحی تطابق دارد: احیا و مناسک مربوط به آن آداب و رسوم مربوط به تدفین و مناسک مربوط به خاک سپردن جسد.

بخش اول رسوماتی را شامل می‌شود که بین زمان مرگ و شعائر مربوط به تدفین انجام می‌گیرد. در این بخش رسومات، کلیسا مشارکت دارد و کشیشها سوگواران را در تحمل واقعیت مرگ همراهی می‌کنند. بخش دوم شامل دو گونه مراسم اصلی می‌شود که مسیحیان برای متوفی برگزار می‌کنند: قدّاس و نماز آیین مقدس. در این شعائر، افراد از طریق روح‌القدس به هم می‌پیوندند و به مثابه جسم مسیح مجدداً تأکید می‌کنند که هر مؤمن معتقد از طریق تعمید در مرگ و رستاخیز مسیح سهیم است و منتظر روزی است که تمام انسانها قیام می‌کنند و در ملکوت نور و صلح و سلام اتحاد می‌یابند. بخش سوّم شامل دو شعار پایانی می‌شود. افراد با سپردن جسد به خاک ابراز امیدواری می‌کنند که متوفی آماده رستاخیز عنصر مهم مناسک مربوط به هر خاکسپاری قرائت کلام خداست. این کلام اسرار عید فصح را به جامعه اعلان می‌دارد، به آنها می‌آموزد که به یاد متوفی باشند، نویددهنده پیوستن به یکدیگر در ملکوت خداوند است، حیات مسیحی را تقویت می‌کند و از همه مهم‌تر بیانگر طرح خداوند برای جهانی است که در آن مرگ و رنج از هر آنکه خدا او را بخواند دور خواهد شد. نمادهای آیین نظیر عید پاک، شمع، آب مقدس، نعش پوش و صلیب برای مؤمن یادآور غلبه مسیح بر گناه و مرگ و نیز نشان سهیم شدن آنها در این غلبه و پیروزی از طریق غسل تعمید است.

منشور OCF پس از شورای دوّم واتیکان بر ویژگی پاک بودن زندگی و ایمان مسیحی تأکید کرد. این تغییر بر نظامها و کلیساهای اسقفی، لوتری متدیست و پرسبیتی نیز تأثیر گذاشت. در نسخه تجدیدنظر شده این موارد گنجانده شده نیاپش و درود، نمازهای تدفین، عشا ربانی و درود و سلام بر شخص متوفی.

پروتستانهای آمریکای شمالی

مسیحیانی که به شمال آمریکا آمدند مناسک سوگواری و تدفین را از اروپا با خود آوردند. این سنت در میان پروتستانها بیش از آنکه ناظر به جسم متوفی باشد متوجه رفاه زنده‌هاست. برخی مناسک مربوط به خاکسپاری در خاک آمریکا ایجاد شدند مهم‌ترین آنها شعاری است که در کتاب نماز عام (BCP) آمده و در ۱۹۷۰ توسط کلیسای اسقفی اجرا گردید.

اداره رسیدگی به امور مربوط به تدفین خواندن جملاتی از کتاب مقدس به هنگام حمل جنازه به داخل کلیسا و همچنین بخش‌هایی از مزامیر را به شعائر مربوط به خاکسپاری افزود. این مسأله در سال ۱۸۹۲ به تصویب رسید. در سنت اصلاحی تدفین بدون هرگونه مراسمی انجام می‌شود اما در عین حال، پس از آن در کلیسا خدماتی نظیر خواندن مزامیر، موعظه و روضه‌خوانی و برخی نمازها و نیاپشها انجام می‌گیرد. برخی کلیساهای آزاد نیز مراسم تدفین را کاملاً سکولار دانسته و هیچ‌گونه خدمات و مراسمی برای آن ارائه و برگزار نمی‌کنند. این امر بدون شک به ایجاد تدفین خانگی کمک می‌کند. در فضای تدفین خانگی در آمریکا، واقعیت مرگ عملاً انکار می‌گردد چرا که ایده جاودانگی و رستاخیز مرده در این فضا تقویت می‌شود. جنازه‌ها به مانکنهایی تبدیل می‌شوند که تا حد امکان زنده به نظر می‌رسند. موسیقی‌های عاطفی و احساسی، دسته‌گلهای انبوه، هزینه و مخارج هنگفت برای تهیه تابوت و شبستان مواردی است که این ایده را تقویت می‌کند. عمده مراسمهای تدفین در شبستانهای کوچک و با حضور تعداد اندکی از اطرافیان متوفی انجام می‌گیرد.

- New Catholic Encyclopedia, Vols VI, VII, VIII. Newyork, ۱۹۶۷ -
- History of christianity, by kenneths. Latovertte, Newyork, ۱۹۵۳ -
- Encyclopedia christianity, E-I, by Erwin Fahlbusch et al. UK.۲۰۰۲ -
- New Bible Dictionary, by I.D.Dowglas, michigan, ۱۹۷۰ -
- Encyclopedia of Religions and Ethics, ed. By James Hastings vols - V, IV, Newyork, ۱۹۸۱ -

